

آسیب شناسی سیاست گذاری بحران در ایران



روح اله اسلامی
 عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

برخی رویدادها و حوادث ابعادی خارج از توان کشور دارند و به راحتی قابل سیاست گذاری نیستند؛ جنگ، وبا، سیل، زلزله، طاعون، شورش فراگیر و خشک سالی موضوعاتی هستند که طبیعی و خارج از اراده انسانها جلوه می کنند و بشر بدون تکنولوژی و سیاست گذاری های بلندمدت توان پیش بینی و کنترل آنها را ندارد. هر زمان حادثه ای روی می دهد، هر شخصی از ملت و دولت ایران، هر چه به لحاظ اطلاع رسانی و کمک در توان دارد دریغ نمی کند و فرهنگ کمک به هم نوع و حفظ کشور همواره اولویت بوده است. ایرانیان دارای فرهنگ ملی مبتنی بر هم بستگی بالایی هستند که در لحظات بحرانی آنها را نجات داده است. اما تنها فرهنگ ملی، سرمایه اجتماعی بالا، دولت دارای سرمایه ای که از پخش پول دریغ نمی کند و مردمی که همیشه در صحنه هستند و کمک می کنند پاسخ گوی غلبه بر بحران های بزرگ نیستند. گاهی رویدادها می تواند نگرش ما را تغییر دهد و اصلاحاتی شکل دهد که برای آینده کشور ضروری است.

سیاست های محیط زیست

آنچه کاملاً مشهود است بحران محیط زیست ایران است. رودهای دائمی، دریاچه ها، تالابها و قنات ها به سمت خشکی حرکت کرده اند. کویر و دشت های بیابانی در حال گسترش هستند و ریزگردها زندگی شهروندان را به هم ریخته است. مهار آب و سدهای متعدد همسایگان، ورودی آب در رودخانه های مرزی را کاهش داده است. افزایش مهاجرت به شهرها باعث حاشیه نشینی در مناطق پرخطر گردیده است. جنگل ها، سواحل، کویر، کوه ها و آبها که منابع ملی است به دلایل توسعه ای و سرمایه ای مورد بهره برداری نادرست قرار گرفته اند. خاک، آب، جنگل، دریا، ساحل و کوه منابع ملی هستند و در سیاست های کشور باید اولویت اول را داشته باشد. محیط زیست مسئله ای فتنی مربوط به کشورهای پیشرفته و طبقات بالا نیست بلکه مسئله ای است فراگیر و جهانی است که نیازمند سیاست گذاری اولویت دار است. محیط زیست بایستی اولویت نخست سیاست داخلی و خارجی باشد و این امر تنها از زمینه های مدیریتی، محیط زیستی، منابع طبیعی و اقتصاد و انرژی قابل حل نیست؛ چرا که موضوعی سیاسی است و سیاست گذاری عمومی را می طلبد.

بودجه در امور زیربنایی و تکنولوژی

بحرانها نشان از ناتوانی ما در زمینه تکنولوژی دارد. تکنولوژی البته نمی تواند همه بحران های طبیعی را مهار کند اما آنچه در ایران مشهود است، ضعف دستگاهها و ابزارهایی است که امکان آمایش و پیش بینی را فراهم می سازد. حتی در پژوهشکده ها و دانشگاهها نیز دستگاهها و ابزارهای ماهواره ای و سنسور قدیمی شده اند. تعیین بسترهای حادثه خیز، پیش بینی مسیرهای عبور سیل، آمایش سرزمین، شبیه سازی ها و پیش بینی هواشناسی نیاز به تکنولوژی دارد. گاهی تکنولوژی هایی که روی تلفن همراه به صورت عمومی برای همه شهروندان جهانی فراهم است، از تکنولوژی های سازمانی تخصصی ایران در زمینه بحران پیشرفته تر هستند. کاملاً مشهود است که بودجه کشور باید با اولویت در زمینه هلال احمر، ستاد مدیریت بحران، سازمان های تخصصی سیل و زلزله و... هزینه گردد که هرگونه کم کاری در زمینه تجهیزات و امکانات بحران ملی شکل می دهد.

هماهنگی سیاست گذاری بحران

هر چه تعهد ملی، سرمایه اجتماعی و اقتصادی دولت و ملت بالا باشد نیاز به سیستم و نظام هماهنگ سیاست گذاری بحران است. در ایران هر نهاد و گروهی بسته به وظایف و ساختار سازمانی در قالب های رسمی و مردمی برای کمک به شهروندان در زمان بحران حرکت می کند. این نیرو و سرمایه اگر هماهنگ، برنامه ریزی شده و با سیاست واحد همراه نباشد، گونه ای رقابت و بی نظمی را شکل می دهد که همیشه شاهد آن بوده ایم. سازمان مدیریت بحران ستادی حرفه ای تشکیل می دهد و پیش از وقوع بحران اقدامات لازم جهت شناسایی، آمایش، پیشگیری، اعلام خطر و حضور در بحران را انجام می دهد. تمامی کمک ها و اقدامات باید از طریق یک نهاد و در هماهنگی کامل صورت گیرد که منجر به بی نظمی، موازی کاری و بی عدالتی نشود. نیروهای مردمی، نهادهای داوطلبانه، سازمان های نظامی و اجرایی باید زیر



نگاه ویژه:

این شبیخون بلا باز چه بود؟! به بهانه وقوع سیلاب های اخیر ایران



رحیمی: تلاش برای منتفی کردن CFT و پارمو موضع دشمنان را تقویت می‌کند

علیرضا رحیمی، عضو هیات ریسه مجلس شورای اسلامی، گفت: تلاش برای منتفی کردن کنوانسیون‌های مطرح در مجمع تشخیص موضع دشمنان را برای اعمال فشار بیشتر بر ایران تقویت می‌کند. او در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: این‌که برخی تحلیل‌گران بخواهند تصمیم اخیر آمریکا مبنی بر قرارداد نام سپاه در گروه‌های تروریستی را با رسیدگی به کنوانسیون‌های CFT و پارمو مرتبط کنند نوعی اشتباه در برداشت است و نشان می‌دهد فاصله زیادی با واقعیت دارند؛ چرا که حرکت غیرمنطقی آمریکا قاعدتا ارتباطی با موضوع FATF ندارد. وی ادامه داد: گروه‌های تروریستی که در کنوانسیون CFT آمده مرجع تعیین‌شان شورای امنیت سازمان ملل است و ما حق تحفظی را پیش‌بینی کردیم به این معنی که شورای عالی امنیت ملی ما صالح به تعیین گروه‌های تروریستی است. در نتیجه اولاً آمریکا به عنوان یک کشور قوانینی تصویب می‌کند که جنبه الزام‌آور برای کشورهای دیگر ندارد و دیگر این‌که آمریکا در قالب کنوانسیون اقدام نکرده، بلکه این اقدام یک جانبه یک کشور است.



علیرضامیردیده کارشناسی اقتصادی ۹۵

تروریستی خوانده‌شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، خرق عادی در عرف مناسبات و حقوق بین‌الملل محسوب شده و این خلاف آمد، در وهله اول پیامدهایی خطیر و قابل توجهی برای هر دو کشور و در وهله دوم برای خاورمیانه به همراه خواهد داشت.

در بدو امر، اقدام اخیر آمریکا در افکار عمومی بیشتر به صورت یک کنش «نمایشی» در جهت حمایت از نتانیاهو و احزاب دست‌راستی اسرائیل تلقی می‌شود؛ چرا که پیش‌تر، ترامپ در راستای اقدامات یک‌جانبه گرایانه پیشین خویش، حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های اشغالی جولان را به رسمیت شناخت که با اعتراض اعضای اتحادیه عرب مواجه شد. از سوی دیگر، بخش‌هایی از سپاه پاسداران نظیر شاخه قدس و قرارگاه‌های باکری، باقری و همت از سوی وزارت خزانه‌داری در لیست گروه‌های حامی تروریسم قرار داشته و اقدام اخیر اثر تازه‌ای در پی نخواهد داشت.

اما مسئله حائز اهمیت، تفاوت وزارت‌خانه دخیل در این اقدام است. قرارگیری یک گروه در لیست گروه‌های تروریستی وزارت امور خارجه، گروه مذکور را به یک «هدف مشروع» برای نیروهای نظامی آمریکا در داخل و خارج قلمرو ایالات متحده مبدل می‌سازد. از سوی دیگر، هر گونه معاملات و مناسبات تجاری با گروه مزبور، نه تنها مشمول تحریم و جریمه از سوی دولت آمریکا خواهد شد بلکه یک جرم فدرال محسوب شده و مجازاتی حداکثر تا بیست سال حبس در پی خواهد داشت. بنابراین نمی‌توان اقدام اخیر را صرفاً یک کنش نمایشی در نظر گرفت، هر چند از اثرات آن در پیروزی ائتلاف راست در انتخابات اخیر اسرائیل نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد.

در حقیقت، با قابل‌تامل بودن اثرات اقدام اخیر، لاجرم نگرانی نخست در این باره مرتبط با آغاز حمله نظامی و شکل‌گیری جنگ مستقیم میان ایران و آمریکا است. مسئله‌ای که در هر دو کشور، موجی از نگرانی را در میان نخبگان سیاسی برانگیخته است.

آنچه حکومت ترامپ برای آغاز یک جنگ علیه کشوری دیگر بدان نیازمند است، مجوز کنگره آمریکا است. اما پس از حملات یازده سپتامبر، کنگره به حکومت‌های آمریکا مجوز جنگیدن علیه القاعده به عنوان مسئول اصلی انفجار، و گروه‌هایی که با آن ارتباط دارند اهدا کرده است. نبردهای آمریکا در عراق، افغانستان و پاکستان با این مجوز کنگره صورت گرفته که مجوز مذکور نیز همچنان معتبر است. از سویی، مایک پمپئو در زمان ریاست بر سازمان سیا به دنبال اثبات ارتباط القاعده با ایران بوده است. مسئله‌ای که متناسب با جایگاه فعلی پمپئو و تیم نئومحافظه‌کاران پیرامون ترامپ نشان‌دهنده علاقه حمله نظامی به ایران باشد اما حضور وزیر امور خارجه آمریکا در سنا و گفت‌وگوی وی با رند پال، سناتور جمهوری‌خواه از ایالت کنتاکی، هم صحنه بر روشنایی است! البته این عبارت غالباً در مورد پدر خانواده صدق می‌کرد و گرنه سایر افراد منزل که حسایشان با کرام‌الکاتبین بود!

در روزهای منتهی به سال ۹۷، همان‌گونه که افتاد و دانید، در اثر بارش‌های سهمگین پیش‌بینی‌شده یا نشده! در نقاط متعدد کشورمان پدیده سیل رخ نمود که خسارت‌های جانی و مالی قابل توجهی در پی داشت. اما آن‌چه از دیدگاه نویسنده می‌توان از این واقعه آموخت بدین قرار است:



ایران نقش ایفا می‌کند. بنگاه‌هایی نظیر شرکت ملی مخابرات ایران، خودروسازی‌هایی نظیر سایپا و بهمن‌خودرو و حتی شرکت اصلی بلیط‌فروشی رقابت‌های فوتبال با بنیاد تعاون در ارتباط هستند و این مسئله سبب می‌شود که بیش از پیش شرکت‌ها از ارتباط با آنان خودداری کنند. اما از طرفی دیگر، موضوع تصویب لوابح چهارگانه گروه اقدام مالی علیه پول‌شویی و تامین‌مالی تروریسم نیز پیچیده‌تر شده و پنا به اظهار اعضای مجمع تشخیص مصلحت ایران، احتمال تصویب شدن آن با اقدام اخیر آمریکا، کاهش یافته است. پیش از این مسائل، عمده دلیل مخالفت گروه‌های محافظه‌کار در ایران با FATF، متوجه تروریستی شناخته‌شدن سپاه پاسداران از سوی این سازمان بین‌دولتی بوده است؛ چرا که به سبب حضور بخش‌هایی از سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی وزارت خزانه‌داری، گمان بر این بود که با نفوذ آمریکا در مناسبات بین‌الملل، این اتفاق در خصوص FATF نیز خواهد افتاد. اما با توجه به تمام مسائل رخ داده، بایستی گوشزد کرد که اساس کار گروه موسوم به اقدام مالی بر اجماع اعضا استوار بوده و نه رای‌گیری حداکثری. بنابراین با توجه به اذعان وزیر امور خارجه آمریکا به خارج از عرف بودن این اقدام و محکوم شدن این اقدام از سوی کشورهای عضو نظیر فرانسه، بریتانیا، چین و روسیه احتمال آنکه همچنین اقدام مشابهی در گروه اقدام مالی رخ دهد، چندان محتمل نیست.

اما بایستی متناسب با تفاسیر فوق بیان کرد که ساده‌انگاشتن اقدام اخیر آمریکا و در نظر نگرفتن تمامی جوانب هنگام اتخاذ سیاست‌ها، می‌تواند پیامدهای خسران‌آمیز بیشتری برای کشور به همراه داشته باشد. با توجه به میزان اثرگذاری تروریستی خواندن سپاه پاسداران توسط آمریکا بر اقتصاد و امنیت کشور، درایت و تبحر بیشتری برای اتخاذ تصمیم‌ها از سوی تمامی بخش‌های دولت جمهوری اسلامی لازم است.

وانگهی احتمال درگیری میان ایران و آمریکا به طور مستقیم در خلیج فارس به مراتب بیشتر از احتمال درگیری در سایر مناطق است، چرا که خلیج فارس به واسطه تنگه هرمز و حوزه‌های استخراج نفتی این منطقه سبب شده است که بارها ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به رویارویی با یکدیگر کنند. این رویارویی از مکالمات رادیویی تا دستگیری سربازان و حمله به دکل‌های نفتی را در بر می‌گیرد. متناسب با سیاست تصفیر آمریکا یا به صفر رساندن فروش نفت ایران، در صورتی که تهران تهدید به بستن تنگه هرمز نماید و با توجه به حضور نیروهای دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس، می‌تواند تنش را به اوج خود رسانده و شاهد گشوده شدن آتش طرفین به روی یک‌دیگر باشیم؛ به خصوص آنکه آمریکا به همراه نیروی دریایی بریتانیا و فرانسه در خلیج فارس، رزم‌آیش «آرتمیس» را بر گزار کردند.

بعد دیگر نگرانی‌ها نسبت به اقدام اخیر آمریکا مربوط به حوزه اقتصاد است؛ چرا که متناسب با حجم بالای حضور سپاه پاسداران در اقتصاد ایران از یک سو و تروریستی خوانده‌شدن آن از سوی آمریکا، ریسک معاملات با ایران را افزایش خواهد داد. وزارت امور خارجه آمریکا، شرکت‌ها و بانک‌های جهانی را موظف ساخت که از ارتباط با شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مرتبط با سپاه پاسداران خودداری کنند؛ چرا که علاوه بر مسئله گریبان‌گیر شدن تحریم و جریمه از سوی وزارت خزانه‌داری، همکاری با گروه‌های تروریستی مشمول جرم فدرال نیز می‌شود. این مشکلات از جانب آمریکا در حالی ایجاد می‌شود که حضور سپاه پاسداران در اقتصاد ایران چندان مشخص نیست. بخش‌های اقتصادی سپاه پاسداران از یک سو شامل قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و بنیاد تعاون سپاه می‌شود. شرکت‌های مرتبط با قرارگاه خاتم تا درصد بسیاری مشخص هستند اما ردپای بنیاد تعاون سپاه در اقتصاد ایران چندان مشخص نبوده و در شرکت‌های بزرگ و حساس

پال پس از دوبار طفره رفتن وزیر امور خارجه از پرسش وی مبنی بر قرارگیری حمله به ایران ذیل مجوز پیشین کنگره، به وی گوشزد کرد که حکومت ترامپ برای آغاز حمله نظامی به ایران، نیازمند مجوزی جدید از کنگره است. بنابراین، احتمال آن که اقدام اخیر منجر به یک حمله همه‌جانبه علیه ایران گردد بسیار کم بوده‌اما به معنای عدم افزایش سطح تنش‌های نظامی میان ایران و آمریکا نخواهد بود. به خصوص آنکه شورای عالی امنیت ملی ایران در اقدامی متقابل، سستکام یا مرکز فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا را گروه تروریستی اعلام کرده و لاجرم امنیت سربازان آمریکایی در منطقه نیز به خطر خواهد افتاد. به سبب حضور نیروهای طرفین در عراق و سوریه، افزایش تنش نظامی میان آمریکا و ایران بیشتر در قالب نبردهای نیابتی خواهد بود. نبردهای نیابتی خاصه در سوریه شدت بیشتری نسبت به سایر مناطق از جمله در افغانستان و عراق خواهد داشت؛ چرا که چندی پیش، احزاب افراطی دست‌راستی اسرائیل به سبب شدت‌یافتن حملات به تل‌آویو از ائتلاف با حزب لیکود خارج شده و اکنون دورساختن ایران و جبهه موسوم به مقاومت از مرزهای اسرائیل، امری حیاتی برای حکومت تازه‌تاسیس نتانیاهو خواهد بود. اکنون با توجه به شناخته‌شدن حاکمیت اسرائیل بر جولان و هم‌چنین اقدام مذکور آمریکا، اسرائیل جهت عقب‌راندن ایران از مرزهای خود به خصوص از بلندی‌های جولان بر شدت حملات خود علیه پایگاه‌های سپاه پاسداران در سوریه خواهد افزود. از طرفی دیگر گروه‌های منتسب به ایران نیز به طور متقابل واکنش‌های تلافی‌جویانه از خود نشان خواهند داد و لاجرم بر احتمال رویارویی نظامی ایران و آمریکا به زور مستقیم در سوریه افزوده خواهد شد.

از سوی دیگر، تلاش‌های ایران برای خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری آمریکا از عراق به ثمر نرسیده و این اقدام می‌تواند از اصطکاک میان دو کشور در عراق بکاهد.

آب روشن است!

حاکمان در حکم خادمان مردم هستند؛ چراکه قدرت و منصب خود را به واسطه رای (هزینه) مردم به دست می‌آورند. اما از آن‌جا که باید ثابت کنیم ما ایرانیان همه چیزمان متفاوت است، نحوه برخورد مسئولان با پدیده سیل اخیر از نوع دیگری بود. بدین مفهوم که نحوه واکنش دستگاه‌های ذی‌ربط و ذی‌دخل، نه از سر «عدم مدیریت صحیح ریسک» یا «عدم تجهیز مناسب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در قبال بحران‌ها»، بلکه از سر شدت حادثه سیل بود! البته از آن‌جا که سیل نگون‌بخت مجالسی برای دفاع خود ندارد، هیچ اشکال نیست که نحوه عملکرد ضعیف را به آن نسبت داد نه ناتوانی خودمان! یا نحوه برخورد مسئولانی چون استاندار خوزستان ثابت کرد تا په حد مقامات رده بالا، منتخب مردم هستند و خصلت مردمی دارند.

داریم و یک «فرصت‌سوزی». تفاوت این دو شاید در یک حرف باشد؛ اما در این باب بسیار حرف است! زمانی که حوادث ناگوار انسانی (جنگ، کودتا، شورش) یا طبیعی (سیل، زلزله و...) در کشوری رخ می‌دهد، سایر کشورها چه از جهت جلوگیری از سرایت آثار منفی این پدیده و چه از سر انسان دوستی و تحیب قلبوب یا عمل متقابل، با کشور مورد نظر هم‌دردی کرده و کمک‌های مالی، انسانی و فنی خود را گسیل می‌کنند. حادثه سیل اخیر می‌توانست فرصت خوبی برای داشتن کمینته ارتباط با کشورهایایی باشد که در روابط سیاسی خود با آن‌ها دارای دشواری‌هایی هستیم. اما تجربه ثابت کرده که ما ایرانیان استاد از دست دادن مسلم این فرصت‌های گل‌زنی در محوطه شش‌قدم هستیم. ۳. در کشورهای دموکراتیک و طبق قرارداد اجتماعی،



دکتر محمد جواد رنجکش عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

بنا بر یک سنت قدیمی، اگر عمدا یا سهوا، ظرف آبی از دست شخصی بر زمین می‌افتاد، اطرافیان به‌ویژه اهل منزل در دل‌جویی از وی می‌گفتند آب روشنایی است! البته این عبارت غالباً در مورد پدر خانواده صدق می‌کرد و گرنه سایر افراد منزل که حسایشان با کرام‌الکاتبین بود!

در روزهای منتهی به سال ۹۷، همان‌گونه که افتاد و دانید، در اثر بارش‌های سهمگین پیش‌بینی‌شده یا نشده! در نقاط متعدد کشورمان پدیده سیل رخ نمود که خسارت‌های جانی و مالی قابل توجهی در پی داشت. اما آن‌چه از دیدگاه نویسنده می‌توان از این واقعه آموخت بدین قرار است:

روحانی: دولت اجاره مسکن موقت آسیب دیدگان را خواهد پرداخت

رئیس‌جمهور با بیان اینکه برنامه‌های بازسازی باید بر مبنای تکرار سیل تدوین شود، حفظ حریم رودخانه‌ها و ساخت سد در مکان‌های مناسب برای پیشگیری و کاهش خسارات سیل را ضروری خواند و تاکید کرد: هلال احمر، اورژانس، مسوولین اجرایی، سپاه، ارتش، بسیج و نیروی انتظامی کاری بزرگ و فداکارانه انجام دادند.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی در جلسه شورای هماهنگی مدیریت بحران استان لرستان با اشاره به اینکه کار بخش‌های دولتی در ترمیم زیرساخت‌های آسیب دیده کم نظیر است، گفت: اینکه بیماری مسری و فراگیر در مناطق سیل‌زده نداریم، مورد توجه سازمان بهداشت جهانی است، برق ۱۱۴۵ روستای استان لرستان بر اثر سیل قطع شد و اکنون فقط ۶ روستا برق ندارند و از ۹۶۱ روستا، فقط بازسازی شبکه آبرسانی ۳ روستا باقیمانده است. روحانی با ابراز امیدواری برای بازسازی واحدهای مسکونی در کوتاهترین زمان، اظهارداشت: لوازم زندگی آسیب‌دیدگان از سیل باید سریعتر و در حد متعارف تامین شود. تمام امکانات دولتی و عمومی در خدمت اسکان موقت و مناسب باشند؛ دولت اجاره مسکن موقت آسیب‌دیدگان را خواهد پرداخت.



مرتضی دیاری

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ۹۵



با وجود پیشرفت‌های گسترده در حوزه مدیریت بحران، امروزه سیل به عنوان یکی از بلایای طبیعی، از مخرب‌ترین رخداد‌های موجود است. در سال‌های گذشته، صداوسیما جمهوری اسلامی همواره با پوشش خبری مناسب، یکی از اخبار مهم خود را به آب‌وهوای آمریکا اختصاص داده است. در اخبار صداوسیما اگرچه همواره به بحران‌های آب‌وهوای کشور آمریکا پرداخته شده. اما در روزهای اخیر کم‌تر به بحران سیل در نقاط دورافتاده پرداخته شده است. در این یادداشت به شیوه امدادرسانی، معایب مدیریت بحران و در نهایت ایرادات ساختاری اشاره می‌شود. یکی از مهم‌ترین مشکلات حوزه شهری ایران، نوع شهرسازی در آن بوده است. عدم بررسی پیامدهای منفی با به‌کارگیری افراد غیرمتخصص، زمینه‌ساز بحران اخیر بوده است.

نگاهی به مقالات منتشر شده در حوزه محیط زیست، نشان از آن دارد که روند تخریب جنگل‌ها، ساخت منازل در اطراف رودخانه‌ها و به صورت کلی نبود نظام جامع در حوزه شهرسازی و محیط زیست، ناشی از سوء مدیریت بوده است. میزانی از خسارت در بلایای طبیعی، امری اجتناب‌پذیر است. با این حال سوء مدیریت در حوزه شهری و نظام مدیریت آن، به شدت خسارات کمک نموده است. نابرابری فضایی نیز در آسیب‌پذیر بودن مردم امری تاثیرگذار بوده است. قیمت نازل زمین‌ها در نقاط حساس و سکونت خانوارها در آن، صعب‌العبور بودن روستاهای غربی کشور به دلیل عدم تخصیص بودجه منصفانه در دهه‌های اخیر، آسیب‌پذیر بودن ساکنان برخی مناطق را تشدید کرده است. به‌صورت ساختاری، جنبه‌های متعددی از بحران‌های سال‌های اخیر محصول نبود تدبیرات لازم و به‌کارگیری مدیریت ثانیه‌ای با استفاده از گفتمان بوده است. به‌عبارت دیگر در زمان بحران، نهادهای مختلف چشم به مدیریت دوخته‌اند. اساسا مدیریت بدین معنی است که نظام یک‌پارچه‌ای درباره بحران مورد نظر وجود ندارد. هلال احمر، ارتش، سپاه، نیروهای جوان داوطلب و سازمان‌های مردم نهاد هریک در قالبی نامشخص اقدام به بهبود وضعیت نموده‌اند. اگرچه مدیریت دارای بار مثبت نیز هست، اما نبود سامان لازم به‌منظور بهبود مسئله سبب شده تا کمیته‌های متعددی در هریک از سازمان‌ها و نهادها با اهداف نامشخص تاسیس گردند. جریحه‌دار کردن احساسات مردم توسط صداوسیما و اعلام شماره حساب، بدین معنی است که بخشی از خسارات توسط مردم پرداخت شود. این امر تسکین‌دهنده نظام نابرابر اقتصادی است که خود نابرابری را بازتولید نموده است.

در واقع تهیدستان شهری که گرفتار بلایای طبیعی گشته‌اند، چشم به سلبریتی‌هایی دوخته‌اند که وعده کمک داده‌اند. چندی پیش هلال احمر از شکسته شدن رکورد کمک‌های مردمی خیر داده است. مبلغ اعلام شده ۶۵ میلیارد تومان بوده است. این مبلغ به اندازه فروش تنها سه فیلم در سینماهای نوروز امسال بوده است. ناکارآمدی مدیریت از جهات متعددی قابل بررسی است؛ نخست آن که با وجود گذشت چندین سال از خسارات زلزله، هنوز تعداد قابل توجهی از افراد در کانکس مستقر بوده و سامان نیافته‌اند. هم‌چنین ۲۰ درصد از جمعیت کشور در سکونت‌گاه‌های غیررسمی

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری بحران در ایران

ادامه از صفحه ۱

نظر یک نهاد فعالیت کنند. هر گونه حرکت خیرخواهانه و متعهدانه و حتی تخصصی که خارج از ستاد و شورای اصلی باشد، سیستم را به هم می‌ریزد و تبعات منفی خلق می‌کند. نظم، قانون، سلسله‌مراتب و رعایت قواعد اساس هر سیستم است که بدون آن فرد محوری بی‌نظم و رقابت‌های موازی را شاهد خواهیم بود.

سیاست حرفه‌ای جامعه‌نمایشی

با ورود به عصر اطلاعات امکان خبررسانی و پدیده شهروند خبرنگار شکل گرفته است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که امکان بازنمایی به وسیله شبکه‌های اجتماعی تقویت شده است و این وضعیت می‌تواند بحران‌ها را تقویت یا کنترل نماید. نظام سیاسی، مردم، گروه‌ها، احزاب و

اسکان یافته‌اند. با وجود طرح‌های متعدد جمع آوری معتادان، تعداد معتادان در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. در واقع رویکرد اساسی در نوع مدیریت بحران در جمهوری اسلامی، همواره تکیه بر تصمیم‌های بوده است. مراجع تقلید، ائمه جمعه شهرهای مختلف، نهادهای حکومتی و سازمان‌های دولتی هریک با پافشاری بر نوعی از باورها، آرایش از هم گسیخته‌ای گرفته‌اند. در واقع هریک از نهادها دیگری را مسئول سامان‌دهی دانسته و نظام جامعی در خصوص مدیریت بحران وجود ندارد. یکی از نکات قابل پیش‌بینی با توجه به حوادث اخیر، افزایش قیمت گندم در سال جاری خواهد بود. بحران سیل در خوزستان سبب از دست رفتن بخش قابل توجهی از گندم‌زارها گردیده است. بدیهی است قیمت گندم افزایش خواهد یافت و در نتیجه قیمت نان نیز رو به افزایش خواهد بود. رویکرد مدیریت در قبال چنین وضعیتی، طبیعا به انتظار بحران گندم نشسته است. آسیب‌پذیری طبقه کارگران و کشاورزان در حادثه اخیر با بحران به وجود آمده تشدید خواهد شد. عدم به‌کارگیری سیاست‌های متناسب با مسئله و چشم‌پوشی از سیاست‌گذاری اجتماعی در این زمینه، خواه ناخواه به نابرابری‌های اقتصادی و درآمدی دامن خواهد زد. به نظر می‌رسد از دست دادن سرمایه‌های مالی، احساس سرخوردگی و هم‌چنین هراس از آینده، زمینه‌ساز الگوهای متمایزی از مهاجرت در میان سیل‌زدگان خواهد بود. همواره حاشیه‌نشینان به‌منظور کاهش فاصله خود با وضعیت مطلوب، مهاجرت را به‌عنوان راهکاری ناگزیر در پیش روی خود دیده‌اند. خالی شدن بسیاری از روستاها در سال‌های اخیر به دلیل عدم توزیع مناسب منابع بوده است. در صورتی که سیاست‌های مناسبی در حوزه بحران اخیر پیاده‌سازی نگردد، احتمال آن می‌رود که درصدی از آسیب‌دیدگان به مناطق دیگر و شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کنند. پیامدهای منفی چنین

اقدامی افزایش سکونت‌گاه‌های غیررسمی و به‌تبع آن نابرابری‌های ساختاری و فقر خواهد بود.

با توجه به حوادث اخیر، ارائه گزارشی از ناکارآمدی‌ها و ایرادات شیوه مدیریت بحران ضروری به‌نظر می‌رسد. در سال ۲۰۱۵، سیل گسترده در آمریکا باعث ارائه گزارشی در حدود ۴۰۰ صفحه گردید. در این گزارش به تمامی نقاط تاریک مدیریت بحران اشاره شده است. وجه غالب این گزارش، سوء مدیریت‌ها بوده است. زمان اعلام تخلیه اماکن و منازل، وضعیت سیل بندها، وضعیت ساخت‌وسازها و... از مهم‌ترین سرفصل‌های این گزارش بوده است. این گزارش در سایت صلیب سرخ آمریکا قابل دسترس است. مهم‌ترین نکته در گزارش منتشر شده، چالش‌های کمک‌رسانی بوده است. در واقع با توجه به استقبال بسیاری از داوطلبان به کمک‌رسانی به سیل‌زدگان، صلیب سرخ در سامان‌دهی کمک‌ها تا حدودی دچار چالش شده است. در این گزارش به اهم چالش‌های به وجود آمده پرداخته شده است. این چالش‌ها با هدف عدم تکرار در حوادث بعدی به نقد و بررسی گرفته شده است. رویکرد غالب در ارائه ۲ گزارش منتشر شده، به‌کارگیری سیاست‌های متناسب با حل مسئله بوده است. ایراد اساسی در حوادث کشورهای در حال توسعه به مانند ایران، عدم تهیه چنین گزارش‌های جامع با هدف به کارگیری راهکارها بوده است. پس از ارائه این گزارش، بسیاری از سیل‌بندها در آمریکا مورد اصلاح قرار گرفته است. هم‌چنین نحوه اطلاع‌رسانی در خصوص تخلیه منازل مورد بازبینی قرار گرفته است. مسئولینی که در اعلام تخلیه، مردد بوده و با چندساعت تاخیر خیر را اعلام کرده‌اند مورد توبیخ و جریمه قرار گرفته‌اند. نهادینه‌سازی عدم پاسخ‌گویی در مسئولین در کشور ایران، همواره یکی از آسیب‌های مدیریت بحران بوده است. مرخصی یک استاندار در بحرانی‌ترین زمان، توهین استاندار دیگر به مردم در حالی که زندگی خود

را از دست رفته دیده‌اند، نشان‌دهنده جایگاه غیرقابل تغییر نظام قدرت در چرخه موجود دارد. مطابق با نظریه میلز، اندیشمند علوم اجتماعی، در ایران همواره چرخش نخبگانی سبب سوء مدیریت بوده است؛ بدین معنی که استعفاء یک شهردار بدون حکمت نبوده و منجر به معاونت در یک وزارت‌خانه شده است. افراد در مناصب مختلف چرخش نموده و نظام قدرت در نوع چرخش گفتمانی در ایران به حالت خود باقی مانده است. هم‌چنین عدم شفافیت مسئولیت‌ها در شیوه امدادرسانی در کنار عدم پاسخ‌گویی مسئولین ذیربط، مسبب تشدید بحران‌ها بوده است.

در قالب جمع‌بندی اساسا مسئله اصلی، سیل‌های اخیر نبوده و نخواهد بود. مسئله اصلی شیوه مدیریت بوده که ناشی از عدم تدبیر در نوع سازمان‌دهی امور مختلف بوده است. در حادثه پلاسکو، اگرچه عمل آتش‌نشنان قهرمانانه بوده است، اما عدم بازسازی پلاسکو منجر به مدیریت شده است. در زلزله‌های اخیر نیز عدم به‌کارگیری مدیریت علمی در ساخت‌وسازهای شهری زمینه‌ساز عمل قهرمانانه امثال نرگس کلباسی بوده است. وجود سازمان‌های مردم نهاد و چهره‌های شناخته شده امور خیر در ایران ناشی از علاقه‌مندی به ساحت مدیریت بوده است. گویی که علقه به ایدئولوژی بهتر از درک واقعیت‌ها بوده است. استفاده از گفتمان‌هایی هم‌چون اقتصاد مقاومتی، مدیریت، استکبارستیزی و مفاهیم مشابه بر گرفته از عدم به‌کارگیری سیاست‌های معقولانه و علمی بوده است. در حوادث اخیر نیز اگرچه بخشی از حادثه امری طبیعی تلقی شده است، اما اشکالات ساختاری در تشدید حادثه نقشی بی‌بدیل داشته است. در وجه دوم که شامل شیوه حل مسئله بوده است، همان‌طور که توضیح داده شد، به‌کارگیری نوع مدیریت تنها مسکنی کوتاه‌مدت به‌منظور ایجاد نمایشی حماسی در منظر عمومی بوده است.

پیچیده‌ای در مورد جامعه‌نمایشی در عصر اطلاعات لازم است که باعث شکاف دولت و ملت و بازتولید رفتارهای ریاکارانه و یا تزریق یأس به جامعه نگردد.

خارج شدن از سیاست ساده چپ‌گرایانه

در آخر علاوه بر اینکه دولت باید سیاست‌گذاری دقیق انجام دهد و بهترین تکنولوژی‌ها را جهت برنامه‌ریزی و کمک به شهروندان اتخاذ کند در سطح سیاست‌گذاری اجتماعی نیز باید موضوع بیمه مسکن در دستور کار قرار گیرد. همان‌گونه که بیمه ماشین و شخص ثالث فرهنگ‌سازی شده است و دولت مسئول جبران خسارت تصادف نیست، در زمینه مسکن با توجه به این‌که سیل و به‌خصوص زلزله هر ۱۰ سال خسارات زیادی به بار می‌آورد لازم است بیمه مسکن اجباری گردد. آن‌چه

دولت پرداخت می‌کند همان بودجه شهروندان است؛ به عنوان مثال خسارت سیل اخیر ۳۰ هزار میلیارد تومان است و در هر حادثه طبیعی دولت مجبور می‌گردد از صندوق توسعه ملی یا ردیف‌های مختلف به خانه‌سازی و جبران خسارات اختصاص دهد. این هزینه می‌تواند با برنامه‌ریزی و سرشکن کردن آن برای همه شهروندان و تامین بخشی از آن از سوی دولت از حالت غیرمترقبه خارج گردد. بنگاه چپ‌گرایانه گمان می‌کند دولت از ملت جدا است، دولت سرمایه بی‌پایان دارد و همه موضوعات طبیعی و انسانی را دولت باید دخالت کند در حالی‌که چنین نیست و با ایجاد روبه و نظام مشخص می‌توان قواعدی حاکم کرد که کشور، دولت و ملت کم‌ترین میزان خسارت را متحمل شوند.

تشکیل کارگروه‌های تخصصی بررسی سیلاب‌های اخیر

دکتر محمود نیلی احمدآبادی در نشست خبری که در راستای حکم ریاست جمهوری مبنی بر تشکیل هیأت ویژه بررسی سیلاب‌های اخیر کشور از سوی رئیس دانشگاه تهران در ساختمان مرکزی این دانشگاه برگزار شد، گزارشی از اقدامات اولیه صورت گرفته این هیأت ارائه داد و گفت: بلافا و حوادث طبیعی امری اجتناب‌ناپذیر است و ما در کشور شاهد تعدد این حوادث هستیم. اما نکته‌ای که لازم است و باید مورد توجه قرار بگیرد، داشتن آمادگی‌های لازم برای مقابله با این حوادث و کنترل صدمات ناشی از آن است. متأسفانه کشور ما از اسفندماه سال گذشته درگیر سیل در سطح گسترده شد و پیرو این حادثه نیز رئیس‌جمهور هیأتی را منصوب کردند تا دلایل این اتفاق را مورد بررسی علمی کارشناسان و متخصصان قرار دهند.



کاو مدنی: طبیعت حق خود را از ما خواهد گرفت



مدیریت محیط زیست در کشور ما همانند مدیریت بخش‌های دیگر، یک مدیریت واکنشی است در حالی که بایستی یک مدیریت پیش‌گیرانه در کشور حاکم باشد. در یک مدیریت پیش‌گیرانه و آینده‌نگر، در واقع پیش از وقوع یک اتفاق، برای آن تصمیمی اتخاذ می‌گردد و چارهای اندیشیده می‌شود. اما در یک مدیریت واکنشی هنگامی که مشکلی رخ داد، برای مقابله با آن اقدامی انجام می‌شود. ما در این باتلاق گیر کرده‌ایم. بایستی یک مسئله به بحران وسیع بدل شود تا به وسعت آن بحران، اقدامی صورت گیرد و تصمیمی اتخاذ شود. علت دست و پا زدن در این باتلاق نیز به نبود برنامه‌ریزی و نگاه بلندمدت و پاره‌ای از مسائل دیگر بازمی‌گردد که تمامی آن‌ها به مکتب فکری و نحوه درک ما از محیط زیست و توسعه پایدار بازمی‌گردد. متأسفانه این مسئله تنها محدود به محیط زیست نمی‌شود و در موارد بسیاری در این مشکل قرار داریم و دست‌وپا می‌زنیم. روزگاری بحران، نرخ ارز است و فردا به مشکل دیگری دچار می‌شویم و با درگیر شدن به آن مشکل، مشکلات پیشین را فراموش می‌کنیم.

آیا طرح مباحثی هم‌چون خشک‌سالی سی‌ساله در ایران و پایان آن با بارش‌های اخیر صحیح است؟
آیا اساساً امکان پیش‌بینی ادوار خشک‌سالی و ترسالی بلندمدت ممکن است؟

متأسفانه طرح سخنانی دال بر پیش‌بینی خشک‌سالی سی‌ساله در ایران توسط ناسا و دامنه زدن به آن توسط رسانه باعث گمراهی عده زیادی شده است. سند و مدرکی دال بر این ادعای خنده‌دار وجود ندارد و ما به راحتی نمی‌توانیم این گزاره را بپذیریم و آن را اشاعه دهیم. ما حتی نمی‌توانیم اوضاع را در سال آینده پیش‌بینی کنیم و اکنون بگوییم که سال آتی، یک سال خشک یا یک سال تر خواهد بود. یکی از اقداماتی که می‌توان انجام داد این است که برای دوره‌های بلندمدت در خصوص ترسالی یا خشک‌سالی «پیش‌نمایی» انجام شود. پیش‌نمایی با پیش‌بینی متفاوت است؛ تفاوت آن‌ها نیز بسیار مهم است و بسیاری این تفاوت دو مفهوم را در نظر نمی‌گیرند. پیش‌نمایی در حقیقت نوعی پیش‌بینی شرطی تحت یک‌سری سناریوها است که رخ دادن برخی از اتفاقات را محتمل می‌کند. تحت بسیاری از سناریوهایی که مرتبط با انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند، پیش‌نمایی شده که وضعیت خاورمیانه به سوی خشکی بیشتر می‌رود و امکان دارد میزان بارندگی‌ها به طور متوسط کاهش پیدا کند. اما این بدین معنی نیست که چون خاورمیانه خشک‌تر می‌شود، سال‌های تر دیگر وجود نداشته باشد و اتفاقاتی نظیر سیل رخ ندهد. بلکه حتی انتظار می‌رود که رخدادهای جدی در آینده نیز شدیدتر شوند اما این یک پیش‌نمایی است و نه یک پیش‌بینی. از سوی دیگر ما خشک‌سالی سی‌ساله نداشته‌ایم که اکنون بخواهیم پایان آن را جشن بگیریم.

هورالعظیم، احتمال کنترل سیل خوزستان افزایش می‌یافت؟

راهی کردن آب به سمت هورالعظیم می‌توانست از فشار بر اراضی پایین‌دست بکاهد اما چنین نیست که به راحتی بتوان با این اقدام، سیلاب را به طور کامل در خوزستان کنترل کرد و تمامی مشکلات را حل کرد. اما با خالی کردن زودتر مخازن، صبر نکردن تا لحظه آخر، مدیریت بهتر پایین‌دست، تجاوز نکردن به حریم رودخانه‌ها و مسائلی از این دست می‌توانستیم سیلاب استان خوزستان را بهتر مدیریت کنیم.

تأثیر تفکر سازه‌ای و غلبه تکنوکرات‌ها بر محیط زیست ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا سدسازی، جاده‌سازی، تجاوز به حریم رودخانه‌ها، کوه‌خواری و... به امری مرسوم در میان مدیران دولتی بدل شده است؟

نباید همه مسائل را بدبینانه بیان کرد و به طور مثال گفت که تنها گروهی از مهندسان و مدیران این قبیل اقدامات را انجام می‌دهند. اتفاقاتی که در حال وقوع هستند، برآمده از درک ما از محیط زیست به عنوان یک جامعه است. ما در خصوص محیط زیست و نحوه تعامل با آن آموزش ندیده‌ایم و اهمیت محیط زیست برای ما چندان تبیین نشده است؛ خواه یک مهندس باشیم یا یک وکیل، یک حسابدار و یا یک مدیر، اهمیت محیط زیست برای ما

چندان مشخص نبوده و تصور می‌کردیم که اقدامات ما در راستای منافع ملی است که برای منطقه پیامدهای مثبتی به وجود خواهد آورد. توسعه به همراه خواهد داشت و اشتغال را بهبود خواهد بخشید. در این قبیل اقدامات، فساد و قانون‌شکنی نیز وجود

داشته که بسیار دردناک است. آن‌چه که در حال رخ دادن است، ریشه در تفکر سازه‌ای دارد که بشر در یک مرحله از توسعه دچار خطای محاسباتی می‌گردد و تصور می‌کند که با ساخت‌وساز و صرف هزینه می‌تواند بر طبیعت حاکم باشد و طبیعت را به خدمت خود درآورد. اما آن‌چه هوداست، از پیامدهای این تفکر منتج می‌شود و ثابت می‌کند که بشر توانایی ایجاد سلطه بر طبیعت را ندارد. **برخی معتقدند که با بروز و ظهور چالش‌هایی نظیر ریزگردها، جنگل‌تراشی، فرونشست، کم‌آبی، آلودگی هوای کلان‌شهرها و به خصوص سیلاب اخیر، نوعی سیاست روزگذر به جای سیاست آینده‌نگر بر مدیران فعلی کشور حاکم است. آیا این نظر را صحیح می‌دانید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، به نظر شما چرا تفکر روزگذری بر تفکر آینده‌نگری در میان حلقه مدیریتی ایران حاکم شده است؟**

کاهش دهد.

از نظر شما تأثیر سدها و به طور خاص سدهای گنوند و کرخه را در کنترل سیلاب اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟
سدها در افزایش قدرت تله‌اندازی آب، ایجاد امکان ذخیره آب، کاهش سرعت و حجم سیلاب همواره می‌توانند مفید باشند. به شرط بهره‌برداری درست، سد می‌تواند در هنگام سیلاب موثر باشد؛ یعنی سدی مانند گنوند با تمام خسارات محیط زیستی نیز توانسته در لحظاتی که حجم بالایی آب وارد سیستم شده است، نقشی پررنگ در تنظیم‌گری جریان آب بازی کند. اما این که نقش سد را تنها در این مقطع زمانی بررسی کنیم، دوباره نشان از آن دارد که مسئله را ساده تلقی کرده و پیچیدگی‌های آن را درک نکردیم.

در وهله نخست باید دقت کنیم که مسئله بهره‌برداری از سد جدا از مسئله حجم سد است. عامه مردم باور دارند که هر چقدر یک سد بزرگ‌تر باشد، فضای بیشتری برای مهار سیل دارد. ممکن است که چنین باشد اما این الگوی بهره‌برداری است که تعیین‌کننده حجم خالی در دسترس است. کما این که در وقایع امسال مشاهده کردیم که برخی سدها فاقد فضای کافی برای مهار سیلاب بودند و نتوانستند کمک شایانی به کنترل سیلاب کنند. این مسئله بدین سبب نیست که این سدها از طراحی مناسب برخوردار نبودند یا مهار سیلاب جزئی

از اهدافشان نبوده است. بلکه به سبب مرور زمان، نحوه بهره‌برداری از آن‌ها تغییر کرده است. از سویی، جدی نگرفتن پیش‌بینی‌ها و تلاش برای نگه‌داری آب برای ماه‌های آتی- به سبب خشک‌سالی‌های گذشته- گونه‌های طمع آب‌اندوزی ایجاد کرده و

سبب شده است برخی سدها عملکرد قابل قبولی نداشته باشند. موضوع دیگر آن است که وقتی سدی ساخته می‌شود، سبب تغییر کاربری اراضی پایین‌دست می‌گردد. در حال حاضر این اتفاق رخ داده و در اراضی پایین‌دست سدهای ما نحوه کشاورزی و نحوه استفاده از اراضی و الگوی استقرار جمعیت تغییر کرده است. تجاوز به بستر رودخانه‌ها شایع شده و نیازهای آبی نیز به تبع آن تغییر کرده است. بنابراین وقتی از عملکرد سدها صحبت می‌شود، نمی‌توان تنها به یک مقطع زمانی محدود اشاره کرد. حتی شاید بتوان گفت اگر برخی از این سدها نبودند، پایین‌دست این سدها پذیرای جمعیت کم‌تری بود و این مسئله سبب کاهش خسارات می‌شد. اما با این وضعیت پایین‌دست، نبودن برخی از سدها فاجعه‌ای تاریخی می‌آفریند.

آیا می‌توان ادعا کرد در صورت تخصیص حقایق



علیرضا میرزیدیده
کارشناسی اقتصاد ۹۶

پیش‌مصاحبه: با بروز سیل اخیر، شاهد ارائه برخی نظریات در شبکه‌های اجتماعی و رسانه بودیم. باتوجه به اینکه وقوع سیل اخیر، بسیاری از استان‌های کشور را درگیر کرد، بر آن شدیم گفت‌گویی با کاوه مدنی، کارشناس آب، محیط زیست و استاد دانشگاه داشته باشیم. مشروح این مصاحبه که به موضوعات ترسالی و خشک‌سالی، پدیده ورشکستگی آب، مزایای سیل اخیر و بررسی سوء مدیریت‌ها پرداخته در ادامه آمده است.

ریشه سیل‌های اخیر در استان‌های گلستان، فارس، لرستان و خوزستان چیست؟ آیا می‌توان برای اتفاقات مذکور یک علت اصلی یافت؟

سیل یک پدیده پیچیده است و به راحتی نمی‌توان یک عامل را برای آن شناسایی کرد. در بروز هر سیلاب، مجموعه‌ای از عوامل دخیل هستند که مهم‌ترین آن حجم بالای آب است. اما موارد متعددی در تولید یک سیل و از همه مهم‌تر در مخرب بودن آن اثرگذار هستند که بایستی آن‌ها را در نظر گرفت. تلاش برای شناسایی، معرفی و محکوم کردن یک عامل به عنوان عامل اصلی چندان مناسب نیست. بنابراین می‌توان گفت پرسش مذکور- که از سوی جامعه نیز با صدای بلند مطرح می‌گردد- شاید پرسش صحیحی نباشد و معرفی تنها یک عامل اصلی، ایده مناسبی نیست و سبب می‌شود که سایر عوامل که در مخرب بودن سیلاب موثر بوده‌اند، به محاق رفته و فراموش شوند.

تأثیر تغییر اقلیم و گرمایش جهانی در بارندگی‌ها و به تبع آن سیلاب اخیر کشورمان چگونه است؟ آیا تمامی حوادث اخیر و خسارات ناشی از آن به سبب تغییرات اقلیم است؟

نبایستی همه مشکلات محیط زیست کشور را ناشی از مسئله تغییر اقلیم و گرمایش جهانی بدانیم. ضمن این که باید این مسئله را جدی گرفت. متأسفانه در پاره‌ای از موارد در کشور ما، از تغییر اقلیم جهت فرار رو به جلو و توجیه ندانم‌کاری‌ها و خطاهای انسانی استفاده می‌گردد. در حالی که اگر تغییر اقلیم در کشور جدی گرفته شود، بایستی برای سازگاری و مبارزه با این پدیده اقداماتی صورت گیرد که متأسفانه تاکنون شایانی در این راستا صورت نگرفته است. این مسئله نشان می‌دهد تغییر اقلیم در سطح عالی تصمیم‌گیری کشور جدی گرفته نشده است.

از سوی دیگر، کسی نمی‌تواند به راحتی و به سرعت در خصوص میزان نقش تغییر اقلیم در تولید سیلاب‌های اخیر اظهار نظر کند. از سویی نمی‌توان اثر تغییر اقلیم را نادیده انگاشت. آن‌چه که می‌دانیم این است که با تغییرات آب‌وهوایی شدت و دوره بازگشت یا تکرارپذیری پدیده‌های حدی نظیر سیل افزایش می‌یابد. این موضوع بسیار حائز اهمیت است. در حقیقت می‌توان در کنار خشک‌سالی‌های شدیدتر، سیلاب‌های شدیدتر را نیز مشاهده کرد. اما این ادعا که تغییر اقلیم عامل اصلی حوادث مذکور است، در حال حاضر فاقد سند علمی است و نمی‌توان این نتیجه‌گیری را از نظر علمی بدون هیچ مطالعه‌ای مورد تأیید قرار داد؛ اما متأسفانه این گزاره با اطمینان بسیار زیادی از سوی مسئولان و رسانه‌های کشور مطرح شده است.

آیا امکان جلوگیری از تلفات سیلاب اخیر ممکن بوده است؟ اساساً تا چه میزان از خسارات مالی و جانی سیلاب اخیر نتیجه مدیریت نامصحیح بوده است؟

شکی نیست که شدت بارندگی، میزان بارندگی و مساحت درگیر در سیلاب بسیار زیاد بوده است اما مشابه تمامی فجایع طبیعی دیگر، در این مورد نیز می‌توانستیم با عملکرد و برنامه‌ریزی بهتر پیش از وقوع سیل و با عملکرد مناسب پس از وقوع سیل از میزان خسارات بکاهیم. مدیریت نامناسب تأثیر بسیاری در افزایش خسارات رخ داده داشته است. نبایستی فراموش کرد که سیلاب همواره وجود داشته است و این انسان‌ها هستند که با ورود به محیط طبیعی سبب افزایش خسارات سیل به خود می‌شوند. تصمیم‌های بهتر می‌تواند سازگاری با سیل را افزایش و خسارات آن را برای محیط‌های انسانی

احداث سد در نقاط مختلف کشور باید بر اساس موقعیت اقلیمی آن مورد توجه قرار بگیرد

بهرام نوایی‌فر در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به نقش عوامل مؤثر بر کنترل سیلاب همانند سد، اظهار کرد: احداث سد در نقاط مختلف کشور باید بر اساس موقعیت اقلیمی آن مورد توجه قرار بگیرد. وی با بیان اینکه در خوزستان احداث سد دز بر روی رودخانه کارون در کنترل سیلاب بسیار مؤثر بود، تصریح کرد: به عنوان مثال احداث سد گتوند به دلیل عدم جانمایی مناسب نقش چندان‌ی در کنترل سیلاب نداشته است، هم‌چنین بخش وسیعی از این سد نمکی است و زمانی که با آب مخلوط شود، به دلیل شوری برای کشاورزی مضر خواهد بود.

نوایی‌فر با تأکید بر لزوم مدیریت منابع آبی در کشور کم‌آبی چون ایران، اظهار کرد: آب بسیاری از دریاچه‌ها همانند ارومیه و برخی تالاب‌ها خشک شده که قطعاً به احداث سد بازمی‌گردد اما بخشی نیز متأثر از تغییر اقلیم و گرم شدن زمین است.



آیا از منظر علمی، بارورسازی ابرها تاثیری در افزایش میزان بارش‌ها دارد؟ آیا طرح مسائلی چون دزدیدن ابرها و بارورسازی ابرها توسط نهادهایی خاص و غیره، خاستگاهی علمی دارند؟

علم امروز ما دزدیدن ابرها را تأیید نمی‌کند و این مسئله بیشتر یک داستان تخیلی به نظر می‌رسد یا شاید علم و سواد ما از درک آن عاجز است. اما در مورد باروری ابرها باید گفت که اولین واکنشی که می‌توان به این مسئله نشان داد این است که چرا کشورهای پیشرفته که دچار خشک‌سالی شدید شده و از وقوع خشک‌سالی بسیار آسیب می‌بینند، از این فناوری برای تولید این حجم از آب سود نمی‌جویند؟ در سال‌های گذشته داستان‌های بسیاری پیرامون خشک‌سالی کالیفرنیا و یا خشک‌سالی آلمان، استرالیا و آفریقای جنوبی شنیده‌ایم. بسیاری از کشورهای پیشرفته دچار خشک‌سالی شدید شده‌اند و اگر بارورسازی ابرها تا این میزان مؤثر بود، این کشورها از این اقدام به طور حتم سود می‌جستند. این ادعا که ایران از منظر تکنولوژی بر کشورهای پیشرفته برتری دارد، چندان ادعای قابل قبولی نیست، هر چند که به عنوان یک ایرانی خواهان پیش‌گام بودن نسبت به کشورهای پیشرفته‌ام اما بایستی واقع‌گرا بود.

اما جامعه علمی درمورد بارورسازی ابرها به این یقین نرسیده است که آیا این مسئله در افزایش میزان بارندگی یا بی‌تأثیر بودن آن مؤثر بوده است یا خیر. آن‌چه که جامعه علمی می‌گوید این است که بارورسازی ابرها شاید بتواند ۵ تا ۱۰ درصد میزان بارندگی را افزایش دهد که همین میزان نیز وابسته به شرایط محیطی مانند میزان رطوبت است و همین اعداد نیز بسیار محل بحث است. بنابراین این‌که بگوییم بارورسازی ابرها سیلاب اخیر را ایجاد کرده از منظر علمی مردود است.

آیا ایران «ورشکسته آبی» است؟ بارش‌های اخیر تا چه حد می‌تواند این مسئله را برطرف کند؟

بله، ایران دچار ورشکستگی آبی است. این مفهوم به زبانی ساده بدین معنی است که میزان مصرف به مراتب بالاتر از موجودی آب است. موجودی آب به صورت تمثیلی به معنای حساب جاری، به معنای آب‌های سطحی به علاوه حساب پس‌انداز، به معنای آب‌های زیرزمینی است. ما این حساب‌های جاری را استفاده و به حساب پس‌انداز که از نیاکامان به ما رسیده است هم دست دراز کرده‌ایم.

اکنون با بارش‌های اخیر، حساب جاری ما از وضعیت مطلوبی برخوردار است اما زمانی می‌توان ادعای خروج از وضعیت ورشکستگی آبی را مطرح کرد که هم وضعیت آب‌های زیرزمینی به وضعیت پیشین باز گردد و هم وضعیت تالاب‌های کشور به ثبات برسند. اکنون اوضاع برخی از تلاب‌های کشور هم‌چون گاوخونی چندان جالب نیست و تالاب‌های دیگر کشور در وضعیت نیمه‌جان قرار دارند. اوضاع آنان نسبت به سال گذشته بهتر شده است اما هم‌چنان تا احیا فاصله دارند. اگر به وضعیت برخی از تالاب‌ها مانند دریاچه ارومیه -که در تبلیغات‌ها بیان می‌شود احیا شده است- توجه کنیم متوجه می‌شویم که به اوضاع ۸ سال پیش خود بازگشته است. مسئله اصلی آن است که یک فرصت طلایی برای احیا تالاب‌های کشور پیش آمده که اگر تصمیم جدی برای احیا آنان اتخاذ کنیم، می‌توانیم آن‌ها را به ثبات نسبی برسانیم. اما از این مسئله هراس دارم که با تصور ایجاد شده مبنی بر احیای تالاب‌های کشور، دیگر تلاشی در این راستا صورت نگیرد. بحث احیای آب‌های زیرزمینی نیز زمان‌بر خواهد بود. مانند سال‌های گذشته نیز تأکید می‌کنم بحث ورشکستگی آبی به فاصله جدی میزان مصرف با موجودی بازمی‌گردد و بایستی توجه کرد که میزان مصرف فعلی ما از میزان موجودی آب کشور بیشتر است. ممکن است که میزان آب در حساب جاری کشور به طور موقت افزایش پیدا کرده باشد اما باید در بلندمدت تعادل میان مصرف و موجود ایجاد کرد.

کشور ما نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه از نظر میزان موجودی آب، از وضعیت بهتری برخوردار است اما هم‌چنان به دلیل اضافه مصرف در طی سال‌های گذشته، اوضاع ما این‌گونه شده است. ضمن آن که نباید فراموش کرد که ورشکستگی آبی پیامی دیگر دارد و آن این است که برخی از اکوسیستم‌های ما در یک بازه کوتاه‌مدت امکان احیا ندارند. نمی‌توان در طی چند سال،

سطح آب‌های زیرزمینی را به یک وضعیت باثبات رساند. به دلیل نحوه مدیریت آب و دست‌اندازی‌هایی که وجود داشته، با وجود بارش کافی، تالاب‌های فاصله بسیاری تا احیا دارند. در واقع تنها تلاب‌هایی احیا شده‌اند که حق خود را به زور از ما گرفته‌اند و در واقع به دلیل عدم توانایی ما در حفظ آب پشت سدهای بالادستی، آب به آن‌ها رسیده است. طبیعت خود سهم خویش را از ما گرفته است.

برای مقابله با مشکلات کم‌آبی چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ به طور مثال، کشوری مانند اسرائیل در شرایط اقلیمی مشابه با ایران قرار دارد اما تنش‌های کم‌تری در زمینه آب دارد. اسرائیل چه اقداماتی انجام داده و تا چه حد قابل الگوبرداری توسط ایران است؟

کم‌آبی شاید واژه مناسبی نباشد؛ چرا که کم و یا زیاد بودن آب یک واژه نسبی است. اما اگر به مفهوم ورشکستگی آبی بازگردیم، در نخستین گام بایستی به برابری مصرف با موجودی آبی برسیم. یک‌سری اقدامات در سال‌های گذشته برای افزایش موجودی انجام داده‌ایم و از هر گونه سازه و تکنولوژی برای افزایش عرضه آب استفاده کرده‌ایم اما بایستی در زمینه کاهش مصرف نیز اقداماتی انجام دهیم؛ مانند صرفه‌جویی مصرف آب در زمینه کشاورزی، شرب و صنعتی. ما نیازمند افزایش صرفه‌جویی در مصرف آب هستیم و بایستی مصرف آب در حیطه کشاورزی را بهینه کنیم. یعنی بخش کشاورزی می‌تواند با سطح زیر کشت کم‌تر و افزایش بهره‌وری، تولیدات بیشتری داشته باشد و به تولید محصولات استراتژیک بپردازد. از سویی، تعدد افراد شاغل در زمینه کشاورزی

بسیار زیاد است و مسئله مذکور، یک مانع برای کاهش مصرف آب در خاورمیانه محسوب می‌شود. اقتصاد سیاسی و اجتماعی ایران تا حد بسیار زیادی به آب وابسته است. بنابراین نیاز داریم که اقتصاد خود را تغییر دهیم و از حالت اقتصاد متکی به نفت خارج سازیم و با تنوع دادن به بخش‌های صنایع و خدمات بتوانیم یک‌سری شغل جایگزین برای کشاورزی ایجاد کنیم تا افراد بتوانند در این زمینه‌ها به جای کشاورزی به فعالیت بپردازند.

یکی از کشورهایی که منابع آبی کم‌تری داشته و از روز ابتدایی تاسیس خود نگرانی‌های فراوانی در زمینه مصرف آب و امنیت غذای خود داشته، اسرائیل است. اما با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، این محدودیت بزرگ را درک کرده و تا حدی بر آن فائق آمده است. اسرائیل از حمایت‌های بین‌المللی وسیع برخوردار بوده و از دانش روز هم سود جسته است. مدل مدیریت آبی اسرائیل یک

مدل آبی خاص است و لزوماً در ایران در مدت اندک قابلیت اجرایی ندارد؛ چرا که مدل مدیریت آب در ایران هنوز یک مدل سنتی است. اما می‌توان تغییرات مهمی در این مدیریت ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین کارها که در اسرائیل انجام داده‌اند، تفکیک خوب اقتصاد از آب است که در ایران هم‌چنان صورت نگرفته است.

آن‌ها تقریباً از دوره پیک آب که دوره حداکثر مصرف آب هستند با این تفکیک عبور کردند. کاری که ما متأسفانه هم‌چنان انجام نداده‌ایم و به نظر من با انکار مشکل «ما ورشکسته آب نیستیم»، در مقابل انجام این کار مقاومت می‌کنیم.

با توجه به مشکلاتی نظیر مشکلات بهداشتی، محیط زیستی و اجتماعی که سیل اخیر به بار آورده است، دوران پساسیل را چگونه توصیف می‌کنید؟

دوران پساسیل، دوران بسیار دردناک و خطرناکی هم برای مردم آن منطقه که فاجعه در آن جا رخ داده و هم برای کشور است. خانه‌های آنان تخریب شده و درآمد خود را از دست داده‌اند. این‌ها قربانی‌هایی هستند که زود فراموش می‌شوند و باید با مشکلات زندگی کنند. این مسئله آسان نیست و کشور بایستی برای آنان کاری انجام دهد. در گذشته نیز قربانیان فجایع طبیعی هم‌چنان نتوانسته‌اند به حالت طبیعی زندگی خویش بازگردند و متأسفانه به دست فراموشی

سپرده شده‌اند. دوران پساسیل، یک‌سری خطرات دیگری نیز دارد. یکی از خطرات آن، تصمیمات احساسی و بدون تحلیل علمی است که اکنون نیز قابل مشاهده است. گروه‌ها بدون کار کارشناسی به اظهار نظر در مورد علت

سیل اخیر پرداخته‌اند؛ گروهی علت اصلی را در تغییر اقلیم جست‌ه‌اند و گروهی نیز گفته‌اند که اگر تعداد سدهای کشور را افزایش دهیم، با خطرات کم‌تری هنگام وقوع سیلاب روبه‌رو خواهیم شد. این قبیل تصمیمات هیجانی در دوران پساسیل از ویژگی‌های این دوران است اما باید از آن اجتناب کرد.

آیا می‌توان بیان کرد که تبعات اجتماعی سیل‌های اخیر بیشتر ناشی از تبعات زیست‌محیطی آن است؟
شاید عبارت بیشترین یا کم‌ترین چندان عبارت درستی نباشد؛ چرا که در هر حوزه شاهد خسارات و تبعات خاصی هستیم. به هر حال سیل برای محیط زیست مفید است اما هنگامی که انسان در طبیعت دخالت می‌کند، می‌تواند ضررهایی به خود و محیط زیست نیز وارد سازد. اما هنگامی که انسان آسیب می‌بیند، تبعات درازمدت اقتصادی و اجتماعی نیز به همراه خواهد داشت که

نبایستی از آن چشم‌پوشی کرد.

چرا تا به حال نتوانستیم از فرصت‌های محیط زیستی به درستی در مسیر ارتقای کیفیت زندگی و رفاه مردم استفاده کنیم؟

نگاه ما به بخش محیط زیست، نگاه درستی نبوده است. ما اهمیت محیط زیست و جایگاه آن در اقتصاد کلان و مسائل اجتماعی را درک نکرده‌ایم. بنابراین به بخش محیط زیست در مراحل توسعه بیشتر به عنوان یک دردسر نگاه کرده‌ایم تا به عنوان بخشی از سیستم و یک فرصت. از پتانسیل‌های محیط زیست برای ایجاد درآمد و شغل چشم پوشیدیم و این مسئله سبب شد که اتفاقات فعلی برای کشور رخ بدهد.

به نظر شما نخبگان این حوزه چگونه می‌توانند نقش میانجی میان دولت و ملت را ایفا کنند و عامه مردم را از مسائل مرتبط با محیط زیست و چالش‌های آن آگاه سازند؟

متخصصان محیط زیست می‌توانند با افزایش آگاهی و اظهار نظرهای غیراحساسی و متکی به دانش، نقش موثری را ایفا کنند. متأسفانه با گذشت مدت زمانی از سیل، هنوز یک آنالیز عددی ساده از این پدیده در اختیار نداریم؛ ورودی و خروجی سدها، دوره بازگشت بارش‌ها و مسائلی از این قبیل را در اختیار نداریم و این در حالی است که محاسبه این داده‌ها بسیار ساده هستند. این قبیل کارها بایستی انجام شود. متخصصان محیط زیست وظیفه دارند که به یادآوری اهمیت تالاب‌ها، چگونگی استفاده از سیلاب‌ها و مزایای آن برای طبیعت، خطرات سدسازی بیشتر و رعایت مسائل مرتبط با آن بپردازند. ما به افزایش آگاهی نسبت به مسائل محیط زیستی نیازمندیم. از طرف دیگر، انجام کار کارشناسی در زمینه محیط زیست نیز ضرورت دارد و متأسفانه در این دو زمینه با خلاء روبه‌رو هستیم. در دورانی که در سازمان محیط زیست مشغول به کار بودم، این مسائل را کاملاً احساس کردم. چندان علاقه‌ای به رسیدن به یک اقدام مؤثر است.

علاوه بر این نایستی از آموزش مردم غافل شد. شماری از کارشناسان و مدیران هم نسبت به بسیاری از مسائل پایه آگاهی ندارند. محیط زیست شامل مباحث وسیعی است و هر فرد نمی‌تواند از تمامی حوزه‌های آن مطلع باشد. افراد باید یک‌دیگر را در راستای آگاهی نسبت به طبیعت یاری کنند و با به اشتراک گذاری داده و اطلاعات، مسیر حل مشکلات را هموارتر سازند.

اساساً هر شهروند تا چه میزانی در وقوع و خسارات سیلاب‌های اخیر، دخیل بوده است؟

انسان‌ها در پیامدهای سیل اخیر نقش داشته‌اند اما نمی‌توان شهروندان را به سبب رخ دادن سیل اخیر سرزنش کرد. در واقع مجموعه حکم‌رانی آب و محیط زیست در حوادث و پیامدهایی که اخیراً رخ داده است، مقصر هستند.





پیشنهاد بانک مرکزی که در سال گذشته مبنی بر حذف چهار صفر از پول ملی به هیأت دولت ارائه شده بود، برای بررسی در دستور کار کمیسیون اقتصادی هیأت دولت قرار گرفت. به گزارش ایسنا، حذف صفر از پول ملی ایران در جمهوری اسلامی تاکنون چندین بار مطرح شده، اما هیچ‌گاه اقدامات اجرایی به صورت جدی در راستای آن انجام نگرفته است که سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۸۶ از نمونه‌های بارز این موضوع بوده است.

نخستین جرعه از جدی‌شدن دوباره حذف چهار صفر از پول ملی زمانی زده شد که بانک مرکزی در دی‌ماه سال گذشته از اسکناس ۵۰ هزار تومانی جدید خود رونمایی کرد و در طراحی این اسکناس نکاتی وجود داشت که توجه برخی را به خود جلب کرد. نکته مهم نخست، استفاده از رنگ‌آمیزی متفاوت در ارقام چاپ‌شده روی اسکناس بود؛ به طوری که چهار صفر بعد از عدد ۵۰ با رنگ متفاوت و کم‌رنگ‌تر طراحی شده و در قسمت پایینی اسکناس نیز عدد ۵۰ به طور جداگانه درج شده بود.

مصائب سیل و بودجه دولتی

سامان‌دهی برخوردار نیست. نظام جهانی تحریم‌ها نیز مانع از کمک همه‌جانبه جامعه بین‌المللی می‌شود. محمد جواد ظریف در واکنش به اثر تحریم‌ها در حساب توئیتر خود نوشت: «سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ که نقض آشکار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل و فرمان دیوان بین‌المللی دادگستری است، موجب اختلال در کمک‌رسانی هلال احمر ایران به مناطق آسیب‌دیده از سیل بی‌سابقه شده است. این فقط جنگ اقتصادی نیست، بلکه تروریسم اقتصادی است.»

سختگوی وزارت امور خارجه نیز اعلام کرده که دولت آمریکا حساب‌های هلال احمر ایران را بسته و به این ترتیب از رسیدن کمک‌های خارجی به ایران ممانعت کرده است.

علی اصغر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر ایران، اعلام کرده که این سازمان امدادرسانی می‌بایست از تحریم‌های آمریکا مصونیت داشته باشد اما دقیقاً به دلیل تحریم‌های آمریکا و مسدود شدن حساب‌های این نهاد دسترسی آن به سامانه سوئیفت برای جذب کمک‌های بین‌المللی غیرممکن شده است.

پیش‌بینی‌ها از مدت‌ها قبل حاکی از شرایط بسیار سخت اقتصادی در سال ۹۸ بوده است. بسیاری از کارشناسان اعتقاد داشته‌اند که در سال ۹۸ دولت ناچار خواهد بود که به سیاست ریاضت اقتصادی تن دهد. سوء مدیریت و ناتوانی کاملاً مشهود تیم اقتصادی دولت، اکنون در مواجهه با این حادثه طبیعی و البته نظام جهانی تحریم‌ها قطعاً اوضاع اقتصادی کشور را پیش از پیش دچار آشفتگی می‌کند.

برای درک بهتر این میزان خسارت باید گفت که مبالغ برآورد شده برابر با نیمی از بودجه سلامت، حدود ۱۴ درصد میزان درآمد نفتی پیش از تحریم‌ها و تقریباً برابر با بودجه شهرداری تهران است. میزان کمک‌های مردمی نقدی جمع‌آوری شده توسط هلال احمر ۶۵ و توسط کمیته امداد ۲۰ میلیارد تومان است. کمک‌های کالایی مردمی نیز ۲۵ میلیارد تومان برای هلال احمر و ۲۳ میلیارد تومان برای کمیته امداد بوده است. در واقع از سوی مردم حدود ۸۵ میلیارد تومان کمک‌های نقدی و حدود ۴۳ میلیارد تومان کمک‌های غیرنقدی جمع‌آوری شده است. بنابراین علی‌رغم روحیه همدلی و همیاری مردم، دولت نمی‌تواند چندان روی این کمک‌ها حساب کند.

بودجه ۹۸ تاکنون بسیار چنجالی شده است و تعداد بسیاری از کارشناسان آن را ضعیف و ناممکن دانسته‌اند و در مسیر رفت و برگشت میان دولت و مجلس نیز قرار گرفته بوده است و واکنش رهبری را نیز در پی داشته است. تعدد اصلاحات صورت‌گرفته در بودجه آن را دچار به هم ریختگی کرده است. طبیعتاً بروز سیل، برخی از بندهای بودجه را دوباره دچار تغییر خواهد کرد. بودجه اصلاحی، اصطلاحی است که این روزها بر سر زبان نمایندگان مجلس افتاده است.

آن‌چه که بیش از هر مسئله‌ای عملکرد دولت را در درجه نخست اهمیت قرار می‌دهد، نبودن منابع مالی دیگر برای جبران خسارت است. کمک‌های مردمی به هیچ عنوان جواب‌گوی میزان خسارت نیست به ویژه آن که حجم زیادی از این کمک‌ها به اصطلاح به شکل هیأتی صورت می‌گیرد و از هیچ‌گونه

بودجه عمومی کشور در سال ۹۸ حداقل ۴۰۴ هزار و حداکثر ۴۳۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود. البته آن‌چه با مجموع یارانه‌های پنهان و بودجه غیرانتفاعی محاسبه می‌شود، حدوداً سه برابر این رقم است. فارغ از این‌که برآورد خسارات تا این لحظه چه مقدار دقیق باشد بررسی آن نشان می‌دهد که اندکی کم‌تر از ۳ درصد بودجه عمومی است. در لایحه بودجه و در ردیف‌های ۱۰ و ۱۲ حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان برای حوادث غیرمترقبه در نظر گرفته شده است. این رقم به خوبی بیانگر دست خالی دولت است. بودجه در نظر گرفته شده برای کل سال باید برای جبران خسارات یک حادثه طبیعی در ۲۰ روز نخست سال هزینه شود. البته که برآورد دقیق خسارات رقمی بسیار بیشتر از ۱۵ هزار میلیارد را نشان خواهد داد. دولت می‌تواند با کسر کردن از سایر بندهای لایحه بودجه، بودجه حوادث غیرمترقبه را تا ۵ درصد مبلغ کل یعنی حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش دهد. این امر با توجه به کسری بودجه دولت که در نظر گرفتن رقم حداکثری ۴۳۴ هزار میلیارد تومان را غیرممکن می‌سازد بسیار دور از ذهن است. دولت رقمی حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان را تنها باید برای هزینه‌های جاری مانند پرداخت حقوق کارمندان و یارانه‌ها هزینه کند. به نظر می‌رسد تنها راه دولت برای جبران خسارات سیل، کاهش اختیارات عمرانی و مولد است. لذا احتمال کاهش بودجه ۱۲۴ هزار میلیاردی عمرانی و زیربنایی وجود دارد. دولت شوربخانه به هیچ عنوان حاضر به کاهش بودجه هنگفت بخش غیرانتفاعی و شرکت‌های ملی نیست.



سینا نصیری
کارشناسی علوم سیاسی ۹۷

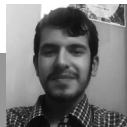
در روزهای پایانی سال ۹۷ و در اوج نابسامانی شرایط اقتصادی کشور، سیل در استان‌های شمالی آغاز شد و تا اواسط فروردین ماه ۲۰ استان کشور را درگیر کرد و خطر آن هنوز در برخی استان‌ها همچون لرستان و خوزستان پابرجاست. با توجه به این نکته که هنوز خطر سیل به طور کلی رفع نشده است و حجم خسارات بسیار زیاد می‌باشد، برآورد میزان خسارت بسیار دشوار است.

وزارت جهاد کشاورزی میزان حدودی خسارات را در بخش کشاورزی بیش از ۶۷۰۰ میلیارد تومان اعلام کرده است. سازمان نوسازی مدارس نیز خسارات مربوطه را بیش از ۲۶ میلیارد تومان برآورد کرده است. همچنین طبق اعلام دفتر نگهداری ابنیه فنی، راه‌های کشور به زیرساخت‌های راه‌ها و جاده‌ها بیش از ۱۶۰۰ میلیارد تومان خسارت وارد شده است. وزارت صنعت هنوز گزارشی از میزان خسارات وارده به زیرساخت‌های صنعت ارائه نداده است. خسارات وارد به واحدهای مسکونی نیز بین ۵ تا ۱۰ هزار میلیارد تومان است. ۱۵۰۰ میلیارد تومان نیز به زیرساخت‌های مخابراتی و ۳۰۰ میلیارد تومان به آثار باستانی خسارت وارد شده است. مهرداد عمادی، اقتصاددان و مشاور مالی بین‌المللی، در گفت‌وگو با مجله اقتصادی، میزان خسارات را بیش از ۱ میلیارد دلار (۱۴ هزار میلیارد تومان) دانست. این رقم تقریباً با برآوردهای داخلی یکسان است.

تاثیر عامل سرمایه اجتماعی در شرایط سیل و بحران

جنسیت، با یک‌دیگر متحد شده و با کار شبانه‌روزی اقدام به ایجاد سیل‌بند کنند یا هم‌وطن عزیز که در پلدختر اقدام به پخت نان رایگان کرد، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در بعضی استان‌ها ما هنوز در سطح مورد قبولی قرار دارد. البته این نکته مهم را نباید به کل کشور ایران تعمیم داد زیرا نمی‌توان کنش‌های اجتماعی این‌چنینی را -که از نظر ما به سرمایه اجتماعی در استان‌های مذکور تعبیر می‌شوند- در تمام مناطق کشور یکسان دانست. سرمایه اجتماعی از نوع دوم که در این‌جا مورد بررسی قرار گرفت، می‌تواند به یقین در غیاب کارآمدی دستگاه‌های امدادی هنگام وقوع ابر بحران‌های این‌چنینی، تنها راه نجات مردم باشد. مردم سرزمین ما باید درک کنند که در این‌گونه مواقع مشکلات هم‌وطنانشان، در وهله نخست مشکل آن‌هاست و در وهله بعد، مشکل خود آن فرد درگیر. لذا باید در این‌گونه موارد به یاری هم‌وطنانشان بشتابند و آنان را نجات دهند زیرا بایستی درک کنیم که نجات یک نفر، نجات همه ما و عدم نجات یک هم‌وطن درگیر در بحران مصادف با شکست همه در جریان بحران‌های خانمان برانداز این‌چنینی است.

شد این مسئله را محل تردید قرار داد که چرا این‌گونه سرمایه اجتماعی دولت در مقابل جامعه کاهش پیدا کرده است؟ البته درباره این موضوع در همان زمان مقالات بسیاری نوشته شد که ما در اینجا قصد نداریم دوباره بحث گذشته را مطرح کنیم. محل بحث ما مورد دوم است. اصولاً بحرانی هم‌چون سیل با زلزله از نظر کارشناسان مدیریت بحران تفاوت‌های فراوانی دارد. حجم تخریب‌ها در سیل‌های گسترده مانند سیل امسال بیشتر از زلزله است که برای مثال تاکنون کارشناسان میزان خسارت را ۱۳ هزار میلیارد تومان برآورد کرده‌اند. قطع راه‌های ارتباطی با بسیاری از شهرها، به زیر آب رفتن بسیاری از زمین‌های کشاورزی یا بی‌خانمان شدن طیف گسترده‌ای از مردم در مناطق سیل‌زده می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که دسترسی نیروهای امدادی-نظامی به مناطق سیل‌زده دوچندان مشکل است و در این مرحله است که باید نیروهای خودجوش مردمی وارد عرصه شده و به کمک هم‌وطنان خود بشتابند. برای مثال وجود سرمایه اجتماعی بالا در میان قبایل خوزستان باعث شد که ساکنان مناطق در خطر وقوع سیل فارغ از سن یا حتی



علی مصدقی نغندر
کارشناسی مدیریت صنعتی ۹۶

کشور ما سال ۹۸ را با موج عظیمی از سیل و بحران‌های ناشی از تغییرات اقلیمی شروع کرد. نوروزی که گذشت برای بسیاری از هم‌وطنان ما در بسیاری از نقاط کشور با نگرانی‌ها و مشکلات بسیاری آغاز شد. استان‌های گلستان، مازندران و خراسان شمالی نخستین استان‌هایی بودند که با بحران سیل درگیر شدند و سپس نیز هم‌وطنان ما در استان‌های لرستان و خوزستان و در مجموع در بیست استان کشور با این مخاطره طبیعی که حاصل سال‌ها عدم تدبیر در اجرای پروژه‌های عمرانی، تخریب گسترده محیط زیست (مخصوصاً در استان‌های شمالی)، عدم توجه به هشدارهای کارشناسان که در سابق وقوع آبگرفتگی در بعضی شهرهای کشور هم‌چون آق‌قلا را پیش‌بینی کرده بودند، می‌باشند و این موارد باعث شده است تا امروز این بحران سیل در کشور ما به یک ابر بحران بدل شود. حال در این وضعیت قطعاً در کنار داغ بودن بازار شایعات در شهرهای مختلف پیرامون سیل که مانند آن را در جریان

زلزله‌های سریالی سال ۹۶ نیز شاهد بودیم یا وجود برخی ناامنی‌ها یا درخواست‌های غالباً غیرمنصفانه از جانب مردم سیل زده در بعضی مناطق مانند ماجرای ضرب‌وشتم خلیان هلی کوپتر امدادی و در کنار آن سوء تدبیرها و سوء مدیریت‌های مسئولان درگیر در بحران همه دست به دست هم داده است تا این سیل ابعاد منفی گسترده‌تری در کشور پیدا کند و موارد مذکور سختی‌های این بحران را برای ملت و حاکمیت دوچندان کند. اما موضوع مهمی که می‌تواند در این‌جا موضوع بحث واقع شود تا به یکی از مهم‌ترین عوامل در هنگام وقوع بلایا و حوادث این‌چنینی کمک کند، فاکتور مهم سرمایه اجتماعی در جامعه است.

اگر بخواهیم دقیق‌تر به این بحث نگاه کنیم می‌توانیم سرمایه اجتماعی را به دو بخش تقسیم کنیم؛ نخست سرمایه اجتماعی دولت (به معنای کل سیستم سیاسی) در مقابل جامعه و دوم، سرمایه اجتماعی مردم این سرزمین در مقابل یک‌دیگر. مورد نخست هنگام زلزله کرمانشاه زیر سوال رفت. موج کمک‌های مردمی که از شهرهای مختلف کشور توسط خود مردم به مناطق زلزله‌زده ارسال شد یا مبالغی که توسط سلبریتی‌ها جمع‌آوری

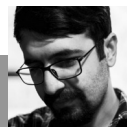
چالش‌های رونق تولید

اقتصاد کشور در شرایط بحران قرار دارد خود را نمایان می‌کند. شکل دیگر دخالت دولت که هر ساله اعتراضات اقتصاددانان زیادی را در پی دارد و هم‌چنان دولت ایران بر انجام آن اصرار می‌ورزد، تعرفه‌های سنگین گمرکی است. دولت ایران به بهانه تقویت صنعت داخلی و به بهای از میان رفتن شرایط رقابت و پیشرفت تکنولوژیک در ایران، به وضع تعرفه‌های گمرکی می‌پردازد. اما تنها نتیجه چنین اعمال قدرتی از طرف دولت تنها در تضعیف صنعت داخلی نمایان می‌شود. آن‌چه در نوشتار فوق به آن پرداخته شد، مشتی نمونه خروار از دخالت‌های دولتی آسیب‌رسان در امر تولید و اهمیت رفتار عقلایی دولت ایران در سال «رونق تولید» است. شرایط اقتصادی فعلی که دولت ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند، بیشتر از گذشته نیازمند دقت در سیاست‌گذاری است. شاید اولویت‌ها در جهت این عقلانیت، انتخاب دیپلماسی اقتصادی صحیح و دور شدن از سیاست‌های عوام‌گرایانه باشد.

در حقیقت آن‌چه در ۵۰ سال اخیر وضعیت تولید در ایران را تحت تاثیر قرار داده و موجب از بین رفتن تولید در کشور شده است می‌توان دخالت دولتی در همه سطوح اقتصادی کشور دانست. دخالتی که از دهه پنجاه آغاز شد و هم‌چنان نیز بر اقتصاد ایران سایه افکنده است. سرکوب قیمت دلار و دخالت در بازار ارزی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین اقدامات دولت جهت سرکوب تقاضا دانست که موجب آسیب‌های اساسی به صورت واردات و از بین رفتن قدرت رقابت کالای ایرانی در برابر کالای خارجی شده است. دلار دولتی همواره موجب به صرفه شدن واردات در برابر تولید داخلی می‌شود که به تبع آن سرمایه داخلی به سمت واردات حرکت می‌کند و در نهایت، این کنش دولتی و واکنش سرمایه‌گذار، موجب از بین رفتن صنعت داخلی می‌شود. دولت در ایران همواره به بهانه تأمین نیازهای اساسی خانوار ایرانی به سرکوب قیمت دلار پرداخته است ولی تاثیرات بلندمدت این عمل در فضای فعلی که

پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی هم‌چنان در گردنه مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد. شاید ابتدایی‌ترین قدم برای قرار از وضعیت تحریمی فعلی را بتوان تصویب این لوایح و پیوستن به FATF دانست. اما با توجه به اقدام اخیر آمریکا در تروریستی شناختن سپاه تصویب این لایحه در حال‌های از ابهام قرار دارد. از طرف دیگر تشکیل اتحاد میان ترکیه، روسیه و چین در مبادلات تجاری در سال گذشته را شاید بتوان فرصتی مناسب برای ایران جهت پیوستن به این حلقه همکاری دانست. هر چند که لازمه این مهم، پیوستن به FATF است.

در سمت دیگر اقدامات داخلی جهت تحکیم و تقویت بخش خصوصی و هم‌چنین افزایش صادرات -که خود از طرفی تاثیرپذیر از دیپلماسی اقتصادی ایران است- نیز از ملزومات اصلی «رونق تولید» است. می‌توان آن‌چه را دولت ایران برای محقق ساختن «رونق تولید» باید انجام دهد در یک جمله این مهم دانست که کاری انجام ندهد.



علی عبادتیان
کارشناسی اقتصاد ۹۴

بیانات ابتدای سال رهبر انقلاب با تاکید بر اهمیت مسائل اقتصادی در شرایط فعلی کشور، بر افزایش سطح تولیدات و رونق اقتصادی کشور تمرکز داشت. ایشان سال ۹۸ را سال رونق تولید نامیدند تا تمام ارکان حکومتی ایران بیش از پیش جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور تلاش کنند. اما این افزایش رونق نیازمند تحکیم بعضی نهادهای اقتصادی و بهبود شرایط در شماری از رویکردهای حکومتی ایران است. اما پرسش آن است که تغییرات چیست؟ برای بهبود این شرایط نیازمند چه تغییراتی در سیستم حکومتی ایران هستیم؟

در وهله اول، آن‌چه بیشتر از گذشته بر شرایط اقتصادی ایران در سال ۹۸ تاثیرگذار خواهد بود، تصمیمات ایران در حوزه دیپلماسی اقتصادی است. لوایح مورد نیاز برای

نامه اعتراضی انجمن صنفی داستان‌نویسان به وزیر ارشاد

انجمن صنفی داستان‌نویسان استان تهران در نامه‌ای به وزیر ارشاد، با توصیف نمایشگاه کتاب تهران به‌عنوان مهم‌ترین اتفاق حوزه نشر کشور، نسبت به ممنوعیت توزیع چند اثر داستانی و غیرداستانی در این نمایشگاه انتقاد کرد.

به گزارش ایسنا، در نامه انجمن به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با انتقاد از برخی رویه‌های موجود و ادامه‌دار، ضمن بافشاری بر موضع این انجمن مبنی بر مخالفت با هرگونه ممیزی قبل و بعد از چاپ، به این‌گونه تصمیم‌ها که مخالف قوانین موضوعه کشور است، اعتراض و هم‌چنین پیگیری مطالبات صنفی نویسندگان عضو و غیرعضو، حق قانونی انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران عنوان شده است.



بر من قلم قضا چو بی من رانددن

پس نیک و بدش ز من چرا می‌دانند

رد پای این جبرگرایی بعضا در مطالب تعلیمی او در گلستان و بوستان دیده می‌شود. در بسیاری موارد در سخنان او می‌بینیم که به صراحت می‌گوید که امیدوی به تربیت آن‌که گمراه است ندارد. چگونه می‌شود که بدی بر نیکان اثر می‌کند اما نیکی بر بدان بی‌اثر است؟ او با وجود این‌که می‌گوید:

هم نشین تو از تو به باید

تا تو را علم و دین بیافزاید

اما از طرفی معتقد است که:

آهنی را که موریانه بخورد

نتوان برد از او به صیقل زنگ

عقیده او بر این استوار است که اگر قضا بر کسی مخالف رای او رفته باشد دگرگون کردن آن مقدرور نیست. معتقد است که هم‌نشینی با بدان بدی به همراه می‌آورد و بارها به دوری از آنان نصیحت می‌کند اما برعکس آن را صادق نمی‌داند و بارها می‌گوید:

پرتو نیکان نگیر هر که بنیادش بد است

تربیت نا اهل را چون گردکان بر گنبد است

عاقبت گرگ زاده گرگ شود

گرچه با آدمی بزرگ شود

شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی؟

ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس

او در جای دیگر نیز فضیلت را به مثابه امری ارئی از خانواده و امری وجودی می‌داند که اگر بر بدی بنیان گرفته باشد محال است که تغَیر پذیرد ولو اگر در جوار خانه خدا تذهیب نفس کند و انسانی گمراه مانند سگی که او را از نجاست رهایی نیست، امکان بازگشت به مسیر حق را ندارد؛

چون بود اصل گوهری قابل

تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد

سگ به دریای هفت‌گانه بشوی

که چو تر شد پلیدتر باشد

خر عیسی گوش به مکه برند

چون بیاید هنوز خر باشد

سعدی در بعضی موارد نشان می‌دهد که با عرفان سازگاری ندارد و کرامت را در عمل به عرف و



یزدان عین‌القضات

کارشناسی متالورژی ۹۴

اگر روزی بنا باشد تعداد انگشت‌شماری از مفاخر ایران را نام ببرند، بلاشک نام «مصلح ابن‌عبدالله سعدی شیرازی» در آن میان خواهد بود. به قول فروغی، سعدی چنان بزرگ است که هر که مدح او می‌کند به احتمال قوی به تقلید از دیگران زبان به ستایش استاد سخن می‌گشاید حال آن‌که او را به تمامی درنیافته و نشناخته. بر امارت او بر تارک آسمان ادب فارسی چه گواهی روشن‌تر از این‌که به قول بزرگان پس از هفت‌صد سال هنوز به زبان سعدی سخن می‌گوییم و هر بامداد و شام در کوی و برزن از هر جهتی سخنی یا ضرب‌المثلی منقول از او می‌شنویم لیک هر آفتابی را سایه‌ای است. اگر پرده شکوه بزرگانی مانند سعدی را از مقابل دیده انتقاد کنار زнім، در معتقدات و باورهای آنان نکاتی یافت می‌شود که احتمالا در میان مدایح و ثنایا به چشم نیامده و کم‌تر کسی به آنان پرداخته است. در اعتقادات سعدی زیاد نمی‌توان کنکاش کرد؛ زیرا که کم‌تر به صورت مستقیم به حوزه تفکر و استدلال ورود کرده و بیشتر آثار او از جنبه وعظ و خطابه است که در آن مسلما واعظ اعتقاد خود را امری بدیهی و اثبات شده می‌پندارد و با استفاده از ابزار زبان و ادبیات آن را زربیح کرده و به مستمع تحویل می‌دهد و از طرفی انتظار درک عمیقی نیز از مخاطب خود ندارد و اگر بیرسند که چرا سخنانی عامیانه و استدلال‌های سطحی به کار برده‌ای خواهد گفت:

فهم سخن چون نکند مستمع

قوت طبع از متکلم مجوی

و این نگاه در سراسر آثار سعدی پیداست که از جایگاه عالمی قشری و اهل صورت سعی دارد مفاهیم دینی و فقهی را به عنوان امری مسلم و بدون نیاز به اثبات به مخاطب عرضه کند و در این راه از ادله‌ای استفاده می‌کند که بالاتر از آموخته‌های عوامانه نیست. از پدیده‌های طبیعی به عنوان سندی مبرهن برای تنویر افکار مدد می‌جوید و این اندیشه را چه در ذهن خود و چه در ذهن مخاطب پرورش نمی‌دهد که آیا الزاما رویدن گل از خاک و میوه از درخت می‌تواند به تنهایی مبین مفاهیم الهی باشد؟ در مواعظ سعدی نمونه‌های فراوانی یافت می‌شود:

که تواند که دهد میوه الوان از چوب

یا که داند که برآرد گل صد برگاز خار

یا در جای دیگر می‌گوید:

آن صانع لطیف که بر فرش کائنات

چندین هزار صورت الوان نگار کرد

ترکیب آسمان و طلوع ستارگان

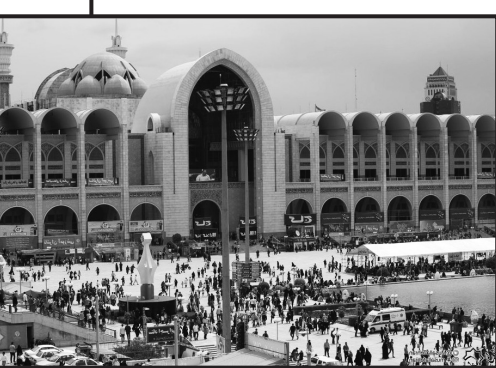
از بهر عبرت نظر هوشیار کرد

از چوب خشک میوه و در نی شکر نهاد

وز قطره دانه درر شاهوار کرد

می‌توان پذیرفت که اساسا سعدی این پند و اندرز را برای مسلمانانی که شکی در باور خود ندارند می‌گوید و نیازی به استدلال‌های فلسفی در شعر نیست و جنبه خطابه دارد اما این‌گونه استدلال نیز به دور از شأن بزرگی مانند سعدی می‌نماید که دنیادیده و دنیاآزموده است.

به نظر می‌رسد که در معتقدات سعدی گاه‌گاه رنگی از جبرگرایی به سخن او راه می‌یابد که همه‌چیز را معلول اراده مطلق خدا می‌داند و مفری برای تغییر وجود ندارد و هرچه بر ما می‌رود سرنوشتی است که بر لوح ما نوشته‌اند و می‌بایست در برابر آن سر تسلیم فرودآورد چه نیک‌روزی باشد چه سیاه‌بختی،چه رستگاری باشد چه شقاوت. چه بهشت باشد چه دوزخ زیرا که از نظر او خداوند قادر مطلقى است که هرچه بخواهد می‌کند و بندگان را چاره نیست و جوانب دیگر صفات الهی چون عدل و حکمت را در این تفکر دخیل نمی‌کند و میگوید:

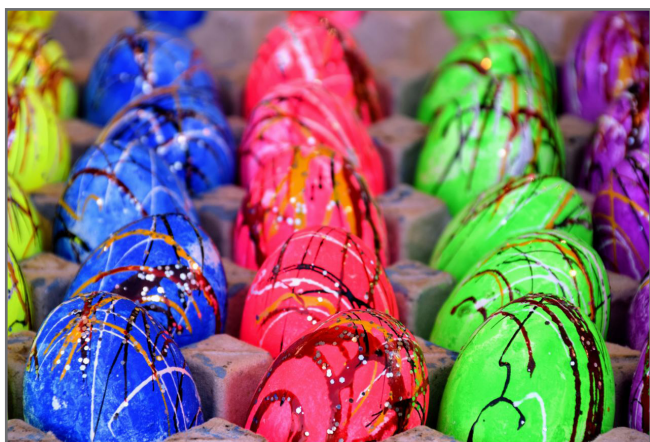




باشگاه
مخاطبان



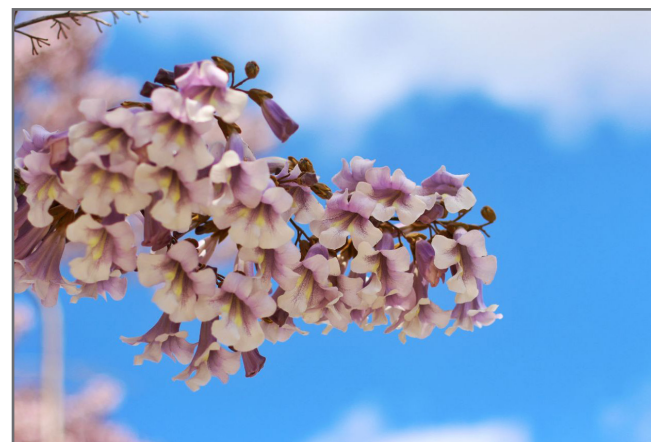
بوی عیدی



امیرحسین حیدری
(پزشکی ۹۳)



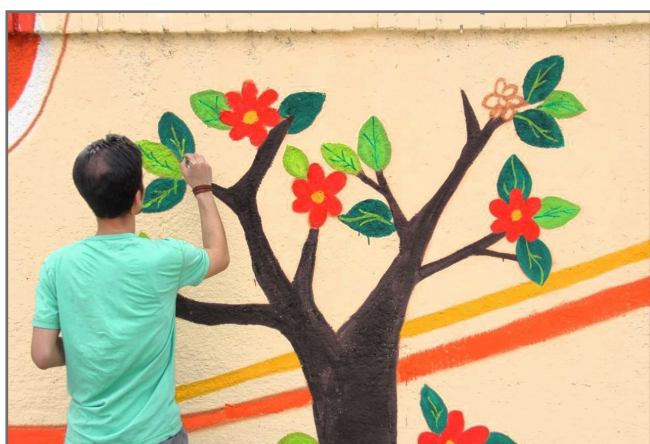
کیمیا بیونقی
(کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۶)



علی همتی
(کارشناسی علوم و مهندسی آب ۹۴)



محمدحسین سمندری مقدم
(کارشناسی علوم و مهندسی آب ۹۴)



محمدحسین سمندری مقدم
(کارشناسی علوم و مهندسی آب ۹۴)



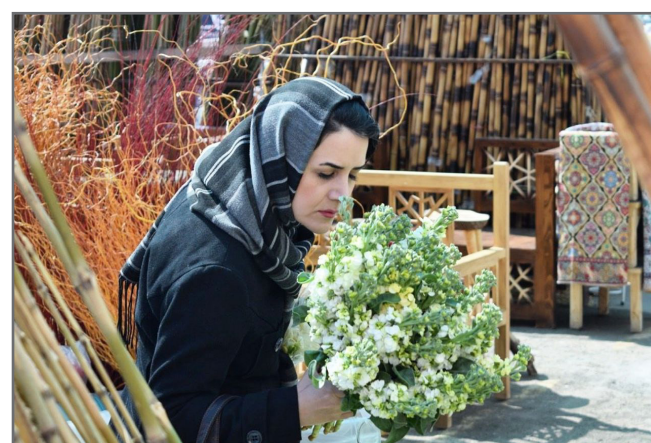
امیرحسین حیدری
(پزشکی ۹۳)



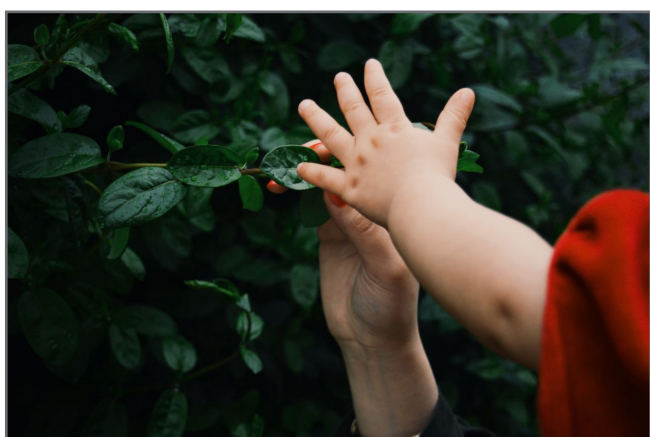
امیرحسین حیدری
(پزشکی ۹۳)



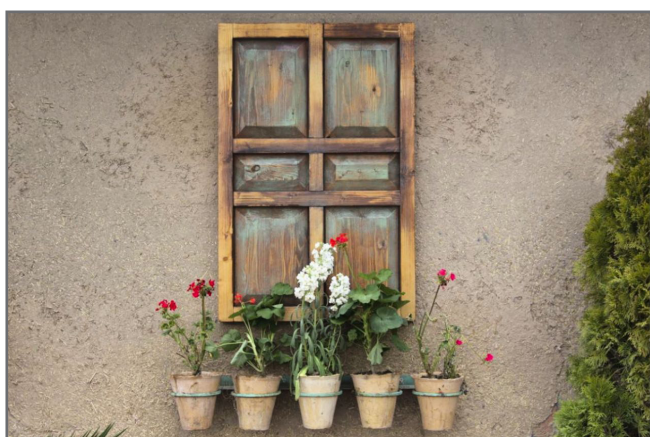
هدیه مسعودی
(کارشناسی ارشد شیمی بیوتکنولوژی ۹۴)



محمدسجاد ابویسانی
(کارشناسی برق ۹۳)



شمیم مصطفی زاده
(کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی ۹۶)



آیتا جاویدیان
(دانش آموخته کارشناسی مهندسی شهرسازی ورودی ۹۲)



محمدسجاد ابویسانی
(کارشناسی برق ۹۳)